

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



«

»

:

:

:

«

»

:

:

..... :

.....( )

..... ( )

.....( )

..... ( )

تقديم به



## چکیده

بررسی شرح حال و آثار طیب صالح با تکیه بر عناصر داستان در رمان «

»

طیب صالح نویسنده‌ای است سودانی که بیشتر زندگی‌اش را در خارج از سودان سپری کرد، وی در مدت زمان کوتاهی توانست از بسیاری از رمان‌نویسان جهان عرب که سال‌ها پیش از او شروع به کار ادبی نموده بودند پیشی جوید و جایگاه والایی در ادب عربی به خود اختصاص دهد. برخی از ناقدان برجسته وی را به دلیل مهارت و موهبت یگانه‌اش در زمینه‌ی رمان‌نویسی به عنوان کاندید جانشینی رمان‌نویس برجسته «نجیب محفوظ» معرفی نموده‌اند و به او لقب «نخبه داستان سرایی عربی» داده‌اند.

طیب صالح علی‌رغم دوری و ترک وطن، اصالت عربی-آفریقایی و احساس عمیق و دلبستگی به اماکن و اشخاص ملی و میهنی‌اش را که سرشار از عادات شریف و متعالی برگرفته از زندگی در شمال سودان می‌باشد را حفظ نموده و در واقع شمال سودان ماده‌ای است که برای نمونه‌های انسانی خویش از آن بهره می‌جوید و شخصیت‌های داستانی‌اش از مردان و زنان و کودکانی است که با آنان بوده و یا به عبارت دیگر از جنس و نژاد خود اویند.

رمان « بیش از هر اثر دیگری نام وی را بر سر زبان‌ها

انداخت، وی توانست با این رمان جایگاهی را که سال‌های سال نجیب محفوظ با رمان‌های متعدد به خود اختصاص داده بود، تنها با « به خود اختصاص

دهد. ترجمه‌ی این رمان به پنجاه و شش زبان زنده‌ی دنیا و انتخاب آن به عنوان یکی از صد رمان برتر دنیا گواه اهمیت والای ادبی این اثر است.

طیب صالح در این اثر به بررسی مشکلات ارتباط غرب و شرق می‌پردازد، وی در انجام این رسالت خویش در به تصویر کشیدن دو جامعه‌ی کاملاً متفاوت، در دو برهه‌ی زمانی مختلف، در قالب روایت از زبان دو راوی از دو نسل مهاجران به غرب، که گاه به صورت تداعی ذهنی است، موفق بوده است.

این پژوهش به بررسی شرح حال طیب صالح و بررسی اجمالی آثار برجسته‌ی وی و نیز کاربرد عناصر داستانی شامل: موضوع، درون‌مایه، پیرنگ، شخصیت، زاویه دید، صحنه، فضا، گفت‌وگو و لحن، در رمان» «می‌پردازد.

عناصر داستان

واژگان کلیدی: رمان، طیب صالح،

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۴	فصل اول: کلیات پژوهش
۵	پیدایش رمان
۶	تعریف رمان
۷	اهمیت و هدف رمان
۸	انواع رمان
۱۰	عناصر داستان
۱۰	موضوع
۱۱	درون مایه
۱۳	زمینه (صحنه)
۱۳	لحن
۱۳	فضا
۱۳	شخصیت
۱۴	شخصیت سازی
۱۴	رابطه‌ی شخصیت رمان با واقعیت
۱۵	پیرنگ
۱۶	عناصر ساختاری پیرنگ
۱۷	زاویه دید



گفت و گو.....	۱۸
فصل دوم: بررسی شرح حال و آثار طیب صالح.....	۲۰
زندگی نامه.....	۲۱
شخصیت و جایگاه ادبی.....	۲۲
طیب صالح و ادیبان.....	۲۵
آثار.....	۲۶
جوایز ادبی طیب صالح.....	۲۹
.....	۳۱
.....	۳۳
عرس الزین.....	۳۶
.....	۴۶
فصل سوم: بررسی عناصر داستان در رمان «.....»	۵۰
خلاصه‌ی رمان.....	۵۱
«.....» و «غریب» کامو.....	۵۴
موضوع.....	۵۵
درون‌مایه.....	۶۰
پیرنگ.....	۶۲
شخصیت و شخصیت‌پردازی.....	۶۶
زاویه دید.....	۱۰۰

۱۰۵.....	صحنه و صحنه پردازی.....
۱۰۷.....	گفت و گو.....
۱۱۱.....	لحن.....
۱۱۷.....	فضا.....
۱۱۹.....	نتیجه گیری.....
۱۲۳.....	.....
۱۳۱.....	چکیده به زبان عربی.....
۱۳۲.....	فهرست منابع.....

#### چکیده و عنوان به زبان انگلیسی

فراگیری فنون داستان نویسی در نقد ادبی به کار می آید و به وسیله آن ادبیات داستانی بر پایه‌ی ضابطه‌ی علمی مورد سنجش قرار می‌گیرد و ارزیابی آثار، ضابطه و قاعده‌ای پیدا

می‌کند و قضاوت‌ها و داوری‌ها، دیگر بر اساس سلیقه و ذوق شخصی صورت نمی‌گیرد (میرصادقی، ۱۳۶۴، ص ۱۱-۱۲).

این گفته به خوبی اهمیت و کاربرد بررسی عناصر داستان را نمایان می‌سازد و این امر سبب و انگیزه‌ای بود، برای انتخاب موضوع بررسی عناصر داستانی در رمان « که خود یکی از بهترین شاهکارهای ادبیات داستانی جهان عرب است.

رمان « اثر برجسته‌ی نویسنده‌ی بزرگ عرب «طیب صالح»

است که این اثر وی در ردیف صد رمان برتر جهان قرار دارد و در این پژوهش با بررسی رمان حاضر و نیز گذری اجمالی بر شخصیت و آثار برجسته‌ی وی، توجه خود را به بررسی عناصر داستانی در رمان «

«طیب صالح» رمان‌نویس مشهور عرب با قلم رسای خویش در رمان‌نویسی توانسته است، ادبیات عربی را در عرصه‌ی جهانی به گونه‌ای قرار دهد که نه تنها حرفی برای گفتن داشته باشد، بلکه اثرش به عنوان نماینده‌ای از آثار عربی در زمره‌ی بهترین آثار جهانی قرار گیرد. این اثر وی از جمله رمان‌های سیاسی-اجتماعی به شمار می‌آید، اما سیاستی که طیب صالح در خلال رمانش بدان پرداخته، معطوف به سیاست داخلی کشورش نیست، بلکه سیاستی کلی و جهانی است که جهان پیوسته در طول تاریخ از آن تهی نبوده است. این ویژگی عام بودن و همیشگی بودن موضوع رمان، اثر وی را به اثری جاودانه مبدل ساخته است.

او به رابطه‌ی غرب استعمارگر و شرق مستعمره می‌پردازد و در این رابطه سودان عربی را نماینده‌ی شرق و مستعمره و انگلیس را نماینده‌ی غرب استعمارگر قرار داده است. او تنها به

این نماد کلی سودان و انگلیس بسنده نمی‌کند و ارتباط را به قالب شخصیت‌ها می‌کشاند. این ویژگی، اثر طیب صالح را از آثار مشابهی هم‌چون «عصفور من الشرق» توفیق الحکیم، «قندیل أم هاشم» یحیی حقی و «الحی اللاتینی» سهیل ادریس، که به همین موضوع پرداخته‌اند، متمایز می‌کند.

در زمینه‌ی شخصیت و آثار «طیب صالح»، کتاب یا مقاله‌ی فارسی نوشته نشده است و ترجمه‌ی رمان «  
» برجسته‌ترین اثر وی نیز به چاپ نرسیده؛ بنابراین وجود خارجی ندارد. اما در ادبیات عربی کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی در ارتباط با شخصیت و آثار وی نوشته شده، گرچه امکان دسترسی به بیشتر این منابع نبود ولی تا حد امکان از مقاله‌هایی که در سایت‌های معتبر یافت می‌شد، در این پژوهش استفاده شده است. نقد و بررسی عناصر داستان، موضوعی است که در بسیاری از کتاب‌های نقدی و مقالات و پایان‌نامه‌های بدان پرداخته شده است؛ اما در کشور ما، در حوزه‌ی ادبیات عربی چندان به نقد و بررسی عناصر داستانی پرداخته نشده است.

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری از منابع فارسی و عربی موجود، در قالب سه فصل که مختصری از هریک در ذیل آمده، تدوین شده است.

## فصل اول:

در این فصل، به تعریف رمان و ارائه‌ی انواع آن و بررسی عناصر داستانی شامل: موضوع، درون‌مایه، پیرنگ، شخصیت، زاویه‌ی دید، صحنه، فضا، گفت‌وگو و لحن، پرداخته شده است.

## فصل دوم:

این فصل به بررسی شرح حال «طیب صالح»، آثار، اندیشه‌ها، ارتباط وی با ادیبان، جوایز ادبی و درنهایت بررسی مختصری از چند اثر برجسته‌ی وی، می‌پردازد.

فصل سوم:

در این فصل پس از ارائه‌ی خلاصه‌ای از رمان «...» و اشاره‌ای اجمالی به تأثیر و تأثر آن با رمان «غریب» کامو، عناصر داستانی که در فصل اول بدان پرداخته شده است، در این رمان بررسی می‌گردد. در خصوص این فصل لازم به ذکر است که با توجه به تکراری بودن منبع اصلی مورد بحث یعنی «...» از ذکر منبع با نام و یا آوردن واژه‌ی «همان» خودداری شده و تنها صفحه‌ی مورد نظر ذکر گشته است.

در پایان نیز نتیجه‌گیری کلی و جامعی از بحث، ارائه می‌گردد.



رمان مهم‌ترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته‌ی ادبی روزگار ماست (میر صادقی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۲). شکل و روال تازه‌ی ادبی که ما در رمان مجسم می‌بینیم، یعنی خلق داستان منثور و طولانی با تأکید بر واقعیت و اصالت و تجربیات و تخیلات فردی و شخصی، هرگز گذشته‌ی طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان از سه قرن تجاوز نمی‌کند؛ در حقیقت وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، رمان نیز تولد یافت (همان، ص ۳۹۹).

از اواخر قرن هفده به بعد بر اثر تحولات و تکامل جامعه‌ی بورژوازی، رمان رونق بسیار گرفت؛ اما رمانی که امروز می‌شناسیم، همان رمان قرن هجده یا حتی قرن نوزده نیست؛ رمان امروزی، تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری پذیرفته است و در سیر تحولات خود، دگرگونی‌های دیگری نیز خواهد پذیرفت؛ زیرا رمان، ساختمانی از تجربه و اندیشه است و هم‌چون جامعه، عقاید و تجربیات آدمی، تغییر و تحول می‌پذیرد، همان‌طور که ذهن و معرفت بشری دچار تغییر و تحول است، رمان هم همگام با این تحول است (همان، صص ۴۰۵-۴۰۳).

رمان در ادبیات عربی فن جدیدی است که عمر آن از نصف قرن تجاوز نمی‌کند و در نزد اعراب به مانند نمایشنامه، جزء اصلی میراث ادبیات عربی به شمار نمی‌آید، در حالی که این هنر، بخش مهمی از ادبیات جهانی را به خود اختصاص داده است (شاهین، ۲۰۰۱، ص ۸).

اصطلاح رمان به نوشته‌های بسیار گوناگونی اطلاق می‌شود که تنها وجه مشترکشان در این است که مفصلند و منثور و داستانی. رمان بیش از داستان کوتاه و بلند، دست نویسند را در کنکاش مداوم و ظرفیت شخصیت‌ها باز می‌گذارد. امروزه در بیشتر زبان‌های اروپایی از اصطلاح رمان<sup>۱</sup> استفاده می‌شود، که مشتق از رمانس<sup>۲</sup> قرون وسطی است. البته در انگلیسی به جای رمان، واژه‌ی ناول<sup>۳</sup> را به کار می‌برند، که برگرفته از چیز کوچک و تازه است و بر قصه‌ای کوتاه و منثور اطلاق می‌شود (سلیمانی، ۱۳۸۷، صص ۱۲-۱۱).

اصطلاح رمان یک معنای عام دارد و یک معنای خاص. در معنای عام ناظر به تمام شکل‌های داستان منثور است که بر تخیل و افسانه متکی است، قصد آن بیشتر لذت بخشیدن به خواننده است و گاه آموزش دادن او، سابقه‌ی آن به یکی دو قرن پیش از میلاد مسیح می‌رسد، در طول عمر درازش دگرگونی‌های بسیار یافته و هم‌اکنون نیز انواع جدید آن به فراوانی نوشته و خوانده می‌شود؛ و در معنای خاص نیز به شکلی از همان داستان منثور بلند گفته می‌شود که تقریباً در اوایل قرن هجدهم در اروپا پدید آمد و شخصیت‌ها و رویدادهایی را تصویر می‌کند که اگرچه بر ساخته‌ی تخیلند، چنان واقعی می‌نمایند که گویی در زندگی واقعی با آنان آشنا بوده‌ایم و سروکار داشته‌ایم (ایرانی، ۱۳۸۰، صص ۴۷).

---

<sup>۱</sup>.roman

<sup>۲</sup>.romance

<sup>۳</sup>.novel



داستان یا نوول اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل و خیال باشد. اگر بلند باشد به آن رمان و اگر کوتاه باشد به آن داستان کوتاه می‌گویند (شمیسا، ۱۳۷۰، ص ۱۷۹).

«هدف رمان ساختن زندگی نیست، بلکه ابداع مجدد آن است. رمان هرگز نمی‌تواند عین واقعیت‌های زندگی را منعکس کند؛ زیرا زاییده‌ی تخیل است و با واقعیت‌های زندگی که نه خیالی‌اند و نه ابتکاری، در ماهیت متفاوتند؛ اما با این حال عناصر متشکل رمان از واقعیت‌های زندگی گرفته شده و حقیقت مانند است.

رمان می‌تواند ما را از نتایج و وقایع آگاه کند؛ وقایعی که مشابه حوادث واقعی زندگی است و امکان وقوع آن در زندگی برای هر کسی وجود دارد. بنابراین، آگاهی از نتایج وقایع و حوادث یعنی سهم مهمی از معرفت و دانشی را که برای تصمیمات درست و عاقلانه لازم است، رمان به ما می‌دهد؛ زیرا رمان نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های شخصیتی، سبب بروز اعمال می‌شوند و اعمال به کجا راه می‌برد و به چه نتیجه‌ای می‌رسد. در نهایت، به خود خواهی‌ها و خود فریبی‌ها و دیگر ضعف‌های انسانی خودمان از طریق رمان بیشتر پی می‌بریم تا از طریق کسی که ما را نصیحت می‌کند.

از این نظر بهترین رمان، رمانی است که وجدان را شست‌وشو دهد و شعور ما را نسبت به خود و دنیای اطرافمان تعالی بخشد و گاهی نیز ما را از خود بی‌خود کند.

رمان خوب، رمانی است که در واقعیتش، صمیمیت و درستی باشد. خوب ببیند، خوب و با شهامت نشان بدهد و تصویرگر پاره‌ای از زندگی آدمی باشد» (میر

صادقی، ۱۳۸۲، صص ۴۰۹-۴۰۷).

رمان در عصر حاضر یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای مطالعه‌ی شرایط جامعه است، رمان به مطالعه‌ی جامعه با تمام جزئیات و درد و رنج‌هایش و نیز زندگی روزمره‌ی مردم و رؤیاهایشان می‌پردازد و سعی دارد تا به جایگاه دردها و خلأها اشاره کند و در انجام این کار به شیوه‌ای متفاوت از شعر در عصرهای گذشته عمل می‌کند و نیز شیوه‌ای متفاوت با پند و اندرز دارد؛ رمان به مانند هجو به انباشتن زشتی و هم‌چون مدح به فرار از آن پناه نمی‌برد و از مسائل داغ یا بحرانی نمی‌گریزد، بلکه به ژرفای آنان نفوذ می‌کند، گرچه در بسیاری از موارد به صورت غیرمستقیم وارد موضوع می‌شود. آن‌گاه که موضوعی را بررسی کند بسیار در مورد آن سخن می‌گوید و بسیار در بررسی موضوع انجام وظیفه می‌کند تا جایی که رمان چون آینه‌ای می‌گردد که جامعه و ملت، خویشتن را در آن می‌بینند، آن‌گاه که از درد و رنج و شور و شیدایی آنان سخن می‌گوید (ابوعوف، ۲۰۰۸، ص ۵).

اگر رمان‌ها را به لحاظ درون‌مایه و نوع شیوه‌ی فنی نگارش تقسیم بندی کنیم، حاصلش انواع کلی رمان‌های زیر می‌شود:

«رمان اجتماعی<sup>۱</sup>، رمان احساساتی<sup>۲</sup>، رمان پلیسی<sup>۳</sup>، رمان تاریخی<sup>۴</sup>، رمان تجربی<sup>۵</sup>، رمان رشد و کمال<sup>۱</sup>، رمان حادثه<sup>۲</sup>، رمان روانکاوانه یا جریان سیال ذهن<sup>۳</sup>، رمان روانی<sup>۴</sup>،

---

<sup>1</sup>-sociological Novel

<sup>2</sup>- Sentimental Novel

<sup>3</sup>-Detective Novel

<sup>4</sup>-Historical Novel

<sup>5</sup>-Experimental Novel

رمان رفتار و رسوم اجتماعی<sup>۵</sup>، رمان روستایی یا شبانی<sup>۶</sup>، رمان زمین<sup>۷</sup>، رمان سیاسی-اجتماعی<sup>۸</sup>، رمان شخصیت<sup>۹</sup>، رمان ضد رمان<sup>۱۰</sup>، رمان عاشقانه‌ی پرماجرا<sup>۱۱</sup>، رمان تبلیغی<sup>۱۲</sup>، رمان کلیددار<sup>۱۳</sup>، رمان گوتیک (دلهره‌آور و ترسناک)<sup>۱۴</sup>، رمان مستند<sup>۱۵</sup>، رمان مکاتبه‌ای<sup>۱۶</sup>، رمان محلی<sup>۱۷</sup> و رمان نو<sup>۱۸</sup>» (سلیمانی، ۱۳۸۷، صص ۲۶-۲۵).

رمان‌ها را نیز می‌توان طبق تفاوت‌هایی که از نظر مایه‌کار، تأکیدهایی که بر جنبه‌ای از مصالحشان می‌کنند و هدف‌های هنریشان تقسیم بندی کرد:

«۱-رمان بیلدانگ: بیلدانگ اصطلاح آلمانی است و به معنی «رمان رشد و کمال» است. موضوع این‌گونه رمان‌ها رشد و شکل‌گیری فکر و شخصیت قهرمان داستان است. شخصیت اصلی این‌گونه رمان‌ها دوران کودکی را با تجربیاتی گوناگون پشت سر می‌گذارد و معمولاً با بحران روحی مواجه می‌شود و بعد به بلوغ و رشد ذهنی می‌رسد و از هویت و اصالت شخصیتش و نیز نقشش در جهان، آگاهی می‌یابد.

---

7 -Apprenticeship Novel or Bildungs Roman

2- Novel of Incident

3- The Stream of Consciousness Novel

4 - Psychological Novel

5 - Novel of Manners

6 - Pastoral Novel

7 - The Novel of the Soil

8 - Problem Novel

9 - Novel of character

10 - Anti Novel

11 - Romantic Novel

12 - Propaganda Novel

13 - Roman Aclef

14 - Gothic Novel

15 - Documentary Novel

16 - Epistolary Novel

17 -Regional Novel

18 -Nouveau Roman

۲-رمان اجتماعی: بر تأثیرات عمیق شرایط اجتماعی-اقتصادی روی اشخاص و حوادث، تأکید می‌کند و اغلب به طور تلویحی و یا صریح، نوعی از اصطلاحات اجتماعی را توصیه می‌کند.

۳-رمان تاریخی: زمان و مکان، برخی از شخصیت‌ها و حوادثش را از تاریخ می‌گیرد. ولی معمولاً این نام هنگامی به رمانی اطلاق می‌شود که محیط اجتماعی و حوادثش را بی‌طرفانه، دقیق و با جزئیات زیاد نوشته و بسط داده باشند.

۴-رمان محلی: بر زمان و مکان، طرز صحبت و آداب و رسوم ناحیه‌ای خاص تأکید می‌کند. البته این تأکید بر جزئیات زمان و مکان خاص، فقط برای واقعی‌تر جلوه‌دادن داستان نیست، بلکه به عنوان عامل مهمی است که بر طبع و خوی شخصیت‌ها و نحوه‌ی اندیشیدن، احساس و عمل ایشان تأثیر می‌گذارد» (همان، صص ۱۷-۱۵).

عناصر داستان به هم پیوسته و از هم جدایی ناپذیرند؛ اما ما مجبوریم آن‌ها را از هم تفکیک کنیم تا بر یکایک آن‌ها، به صورت جداگانه، نظر اندازیم (میرصادقی، ۱۳۶۴، ص ۱۲). این عناصر عبارتند از: موضوع، درون‌مایه، صحنه (زمینه)، لحن، فضا، شخصیت، پیرنگ، زاویه دید، گفتگو.

۱-موضوع<sup>۱</sup>: مفهومی است که داستان در باره‌ی آن نوشته می‌شود و رخدادهای داستان به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن مربوط می‌شود. پس موضوع، در یک متن داستانی از چنان ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند کل مناسبات، شخصیت‌ها و

---

<sup>1</sup> - subject